

Although litigation and dispute resolution between the parties is usually formally conducted by elected government judges, this may sometimes be done by persons whom the parties have agreed on their choice and vote. Therefore, in addition to judicial litigation, there is a type of private litigation called arbitration, which of course has various types that are divided into domestic and international, case and organized arbitration, civil and commercial arbitration, and so on. To be. One of the issues discussed in the international arbitration procedure is the issue of oil disputes between Iran and the United States following the Iranian revolution and the cancellation of investment agreements by the host country based on the agreement of the parties in Algeria, known as the first and second Algerian statements. It was found that as a result of referring to the arbitration mechanism, the international arbitration procedure has changed from full compensation to reasonable compensation and according to the current situation, the compensation has been ordered by the selected arbitrators. Of course, the arbitration mechanism in this regard is a case of international arbitration, which deals with disputes through the establishment of the Iran-US Arbitration Court in The Hague.

اثر حقوقی شرط داوری در دعاوی نفتی ایران - آمریکا

محمود عربلو^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱/۱۸

سید باقر میر عباسی^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۳/۱۲

ابومحمد عسگرخانی^۳

چکیده

هر چند رسیدگی به دعاوی و رفع اختلاف بین طرفین آن به طور معمول به وسیله قضات منتخب حکومتی به صورت رسمی صورت می‌گیرد اما گاه این موضوع ممکن است از سوی اشخاصی که طرفین نسبت به انتخاب و رأی آنها با یکدیگر تراضی کرده‌اند به عمل آید. بنابراین در کنار رسیدگی قضایی به دعاوی یک نوع دادرسی خصوصی وجود دارد که آن را داوری می‌نامند. یکی از موضوعاتی که در رویه داوری بین‌المللی مورد بحث قرار گرفته مسئله دعاوی نفتی میان ایران - آمریکا است که در پی انقلاب ایران و لغو قراردادهای سرمایه‌گذاری از سوی کشور میزبان حاصل شد که در نتیجه رجوع به مکانیزم داوری، رویه داوری بین‌المللی از غرامت کامل به غرامت معقول تحول شده و با توجه به اوضاع و احوال موجود حکم به جبران خسارت از سوی داوران منتخب داده شده است. واژگان کلیدی: داوری - شرط داوری - دعاوی نفتی - دعاوی نفتی ایران - آمریکا - غرامت.

^۱پژوهشگر دکترای حقوق بین‌الملل عمومی

^۲استاد دانشگاه تهران

^۳دانشیار دانشگاه تهران

مقدمه:

جامعه بین‌المللی تنها جامعه بشری است که عملاً از یک نهاد تقنینی و اجرایی و قضایی محروم است. عدم برخورداری از یک نهاد و نهاد سازمان یافته و روش‌های حقوقی لازم موجب شده است که حقوق بین‌الملل نتواند خود را با تحولات جامعه و نیازهای آن وفق دهد. و این باعث ضعف حقوق بین‌الملل گردیده است. یکی از روش‌های حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات در عرصه بین‌المللی را می‌توان داوری دانست. داوری یکی از روش‌های حل و فصل اختلافات بین‌المللی است. داوری یا بر اساس یک موافقتنامه برای فیصله اختلافات فی مابین دولت‌ها سابقاً پیش‌بینی شده و یا برای حل یک بحران یا جلوگیری از وقوع اختلافات احتمالی آتی تراضی می‌شود.

دیون دعاوی ایران - آمریکا یک مرجع داوری موردی است که پس از انقلاب ایران به دنبال بحران در روابط ایران و آمریکا و بر اساس توافق لاحق به منظور حل اختلافات حقوقی و مالی دو دولت در لاهه تشکیل شد.

شروط داوری هم مانند دیگر شروط مندرج در قراردادها در حال تکامل یافتن و پویایی است. رشد رو به افزایش نهادهای داوری مقررات متحدالشکل و موانع و نواقص مشروط داوری در دو دهه اخیر موجب تسریع دگرگونی شروط داوری در عرصه بین‌المللی گردیده است که این امر موجب گذر از رویه‌های داوری موردی به سوی مقررات متحدالشکل و داوری‌های نهادی یا سازمانی گردیده است. شروط داوری قراردادهای بین‌المللی نفت و گاز از یکی از مهمترین شروط مذکور در این نوع قراردادهاست که بکارگیری فرمولی مناسب در آن می‌تواند قدرت مانور قابل توجهی را در تأمین منافع و شرکت یا کشور دیگر در اختلاف ایجاد کند. در همین راستا جهت‌گیری‌های اخیر قانونگذاران برخی کشورهای تولیدکننده و صادرکننده نفت و گاز و هم‌رویه عملی فعالان خصوصی در این عرصه بدین سمت بوده که با ترجیح تعیین چهارچوب‌های مشروط داوری در قالب ارجاع اختلاف خود به مقررات و احیاناً مراکز داوری هم چون ICC و آنسیترال سعی در مدیریت هر چه بهتر اختلافات احتمالی و امتناع از وجود نابسامانی‌های خاص داوری‌های گذشته داشته‌اند.

داوری بین‌المللی از دهه ۱۹۷۰ به این سو تجارب بسیاری در اختیار شرکت‌های نفتی و هم‌کشورهای نفت خیز قرار داده و آنها را بدان سو سوق داده است که شروط خود را در قراردادهای نفتی به نحوی تنظیم نمایند که بیشترین نفع و بهره را ببرند.

داوری به دلیل دارا بودن خصوصیتی هم چون سهولت در دسترسی، کم هزینه بودن، تخصصی بودن، سرعت در رسیدگی از دیگر روش‌های حل و فصل اختلافات از جایگاه بالاتری برخوردار است. با توجه به وجود این شرایط خاص در روش داوری و تاریخچه و هم‌چنین تحولات روزآمد آن موجب شد تا دولت‌ها به داوری در حل و فصل اختلافات خود اتحاد نمایند. ایران و آمریکا نیز در حل و فصل اختلافات خود با آنکه بیشتر نمود رویارویی شمال و جنوب بود از مکانیزم داوری برای فیصله اختلافات خود استفاده کردند که در این مقاله سعی بر آن است تا اثر حقوقی شرط داوری را در دعاوی نفتی ایران - آمریکا بررسی نماییم و پاسخ به این پرسش مهم که جایگاه داوری در حل و فصل اختلافات مربوط به معاهدات نفتی در مقایسه با سایر سازوکارها چیست؟

صنعت نفت تا کنون قراردادهای بین‌المللی متنوعی را تجربه کرده است که این تکنیک‌ها ارتباط نزدیکی با تحولات سیاسی داخلی و بین‌المللی و توانمندی‌های تکنولوژیک و اقتصادی کشورهای دارند. منابع نفتی دارد صنایع نفتی به دلیل ماهیت خاص خود از جمله صناعی هستند که نقش بسیار حیاتی در اقتصاد کشورها دارند.

داوری:

هر چند رسیدگی به دعاوی و رفع اختلاف بین طرفین آن به طور معمول به وسیله قضات منتخب حکومتی به صورت رسمی صورت می‌گیرد اما گاه این موضوع ممکن است از سوی اشخاص که طرفین نسبت به انتخاب و رأی آنها با یکدیگر تراضی کرده‌اند به عمل می‌آید.

بنابراین در کنار رسیدگی‌های قضایی به دعاوی یک نوع دادرسی خصوصی وجود دارد که آن را داوری می‌نامند. نهاد داوری را می‌توان رجوع به مرجع غیر دولتی برای حل و فصل دعاوی دانست. در فرهنگ دهخدا تعریف لغوی داوری چنین آمده است: «داوری به معنای عمل داور، قضا، حکومت، قضاوت، حکم، حکمیت، محاکمه کردن و یکسو نمودن میان نیک و بد است.

امروزه در کشورهای پیشرفته تحت داوری نهادینه و فراگیر شده تا آنجا که اگر طرفین قرارداد در مورد آن دچار مشکل شوند پیش از آنکه به مراجع قضایی روی آورند داوری را برای حل و فصل اختلافات فی مابین ارجح تر می‌دانند بر این اساس داوری در این کشورها توسعه یافته و به عنوان امری تخصصی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است.

در حقوق داخلی ایران تعریف خاصی از داوری نمی‌توان یافت و در بیشتر منابع به تعریف داوری بین‌المللی تکیه شده در داوری بین‌المللی داوری با توجه به ماده ۱ قانون داوری تجاری بین‌المللی تعریف شده است بر اساس این ماده «داوری عبارت است از رفع اختلاف بین متداعیین در خارج از دادگاه به وسیله شخص یا اشخاص حقیقی یا حقوقی مرضی الطرفین یا انتصابی».

در قانون نمونه آنسیترال نیز در ماده ۲ منظور از داوری هر نوع داوری است اعم از اینکه توسط یک مؤسسه دائمی اداره و تصدی شود یا نه، در این قانون هم تعریف روشنی از داوری ارائه نشده است.

داوری از جهت فوایدی که دارد مانند سرعت در رسیدگی، کم بودن بهاء رسیدگی، سری بودن و جلب اعتماد طرفین دعوا و اینکه فراتر از قوانین موضوعه است و علاوه بر اینها از این جهت که به وسیله اشخاص متخصص رسیدگی می‌شود اهمیت فراوان دارد.

در روابط بین‌المللی داوری تحت عنوان روش مسالمت‌آمیز حل و فصل اختلافات میان دولت‌ها به شمار می‌آید. امروزه داوری بین‌المللی را می‌شود چنین تعریف کرد داوری بین‌المللی تحت عنوان یکی از روش‌های حقوقی فیصله اختلافات بین تابعان فعال حقوق بین‌الملل درباره موضوع‌های حقوق بین‌الملل به وسیله داور یا داوران مطابق با قواعد بین‌المللی و با طی ملاحظاتی حقوقی یا غیر حقوقی است.

داوری یک سیستم خوبی برای احقاق حق است طرفینی که به داوری می‌روند تصمیم گرفته‌اند که اختلافشان را خارج از هر گونه سیستم قضایی حل و فصل کنند در اکثر موارد داوری مستلزم یک تصمیم نهایی و الزام آور است و رأیی صادر می‌کند که در یک دادگاه داخلی قابل اجرا است.

تصمیم‌گیرندگان (داوران) که معمولاً یک یا سه نفر هستند معمولاً توسط طرفین انتخاب می‌شوند علاوه بر این، این طرفین هستند که انتخاب می‌کند داوری توسط یک سازمان داوری بین‌المللی انجام خواهد گرفت یا به صورت موردی خواهد بود که بدین مناسبت هیچ سازمانی حق دخالت ندارد. قواعدی که اعمال می‌شوند قواعد سازمان داوری یا سایر قواعد منتخب طرفین می‌باشد علاوه بر انتخاب داوران و قواعد طرفین می‌توانند مقر و زمان داوری را انتخاب کند که از این رو داوری به طرفین آزادی و کنترل فراوانی بر فرآیندی که باید در حل اختلافشان مورد استفاده قرار گیرد می‌دهد. این امر در داوری تجاری بین‌المللی اهمیت ویژه‌ای دارد چرا که طرفین نمی‌خواهند تابع صلاحیت قضایی بر این باورند که رسیدگی عادلانه صورت خواهد گرفت علاوه بر این، این انعطاف که بتوان فرآیند حل و فصل اختلاف را با نیازهای طرفین تعلیق داد و فرصت انتخاب داورانی که در موضوع اختلاف متخصص می‌باشند داوری را به طور خاصی جذاب می‌سازد. امروزه، داوری تجاری بین‌المللی روش معمول برای حل و فصل اختلافات در اکثر معاملات تجاری بین‌المللی است.

رضایت طرفین مبنای اختیار داوران در تصمیم‌گیری راجع به اختلاف است رضایت طرفین در عین حال اختیارات داوران را محکوم می‌کند چرا که با وجود مشکلات اندک داور تنها می‌تواند به موضوعاتی رسیدگی کند که در قلمرو موافقت‌نامه داوری واقع نشوند. علاوه بر این داوران باید قواعد آیین و قوانین منتخب طرفین را اعمال کند معمولاً طرفین رضایت خود به ارجاع اختلافات آتی به دادرسی را در یک موافقت‌نامه مکتوب که به صورت شرط مندرج در یک قرارداد تجاری است ذکر می‌کند اگر در قراردادشان شرط داوری نداشته باشند با این حال می‌توانند پس از وقوع اختلاف نیز موافقت‌نامه داوری منعقد سازند این مورد موافقت‌نامه مستقل داوری نامیده می‌شود. با این حال از داوران بین‌المللی انتظار می‌رود که مستقل و بی طرف باشند و اگر دلیلی وجود داشته باشد مبنی بر اینکه مستقل و بی طرف نیستند می‌توانند نزد سازمان داوری یا دادگاه جرح شوند. در موافقت‌نامه داوری طرفین می‌توانند قواعد حاکم بر آیین داوری مقر داوری به زبان داوری قانون حاکم بر داوری و هم چنین داورانی را که معمولاً به دلیل تخصص ویژه‌شان در موضوع اختلاف طرفین برگزیده می‌شوند را انتخاب کرد. موافقت‌نامه داوری به داوران اختیار می‌دهد که در مورد اختلاف تصمیم‌گیری کنند و محدوده این اختیارات را مشخص می‌کند در واقع طرفین سیستم عدالت خصوصی خودشان را ایجاد می‌کند، موافقت‌نامه داوری معمولاً در قالب شرط یا شروطی ضمن قرارداد تجاری طرفین درج می‌شود از این رو موافقت‌نامه داوری پیش از بروز اختلاف منعقد می‌گردد و هدف آن پیش‌بینی یک روش حل و فصل در صورت بروز اختلاف است با این حال اگر در قرارداد طرفین شرط داوری وجود نداشته باشد و اختلافاتی ایجاد شود طرفین باز هم می‌توانند در آن زمان با توافق یکدیگر موافقت‌نامه داوری امضاء کنند چنین موافقت‌نامه‌ای معمولاً موافقت‌نامه مستقل داوری نامیده می‌شود.

اگر چه شرط داوری در اکثر موارد در قرارداد داخلی میان طرفین درج می‌شود اما در اکثر قوانین و قواعد به عنوان یک توافق مستقل محسوب می‌شود. بنابراین اگر امکان بی اعتباری قرارداد اصلی یعنی قراردادی که موافقت‌نامه داوری در آن درج شده وجود داشته باشد شرط داوری کماکان معتبر

خواهد بود در اکثر نظام‌های حقوقی این دکترین تفکیک پذیری اجاره می‌دهد که حتی اگر یکی از طرفین برای مثال ادعا کند که قرارداد خاتمه یافته یا به دلیل به کارگیری اقدامات متقلبانه از سوی طرف مقابل معتبر نمی‌باشد باز هم داوران بتوانند به اختلافات رسیدگی و تصمیم‌گیری کنند. چنین ادعاهایی داوران را از صلاحیت محروم نمی‌کند. از این رو از آنجا که شرط داوری یک توافق مجزا و مستقل محسوب می‌شود با ادعای بی اعتباری عقد اصلی تحت تأثیر قرار نمی‌گیرد و کماکان حاکی از صلاحیت داوران جهت تصمیم‌گیری در مورد اختلاف است. دکترین تفکیک پذیری در بسیاری از قوانین ملی و قواعد داوری پیش‌بینی شده است.

برای اینکه موافقت‌نامه داوری معتبر و قابل اجرا باشد برخی شرایط ماهوی حقوقی باید محقق شود نه تنها آرای داوری بلکه موافقت‌نامه‌های داوری نیز تحت کنوانسیون قابل اجرا هستند اگر چه عنوان کنوانسیون نیویورک به موافقت‌نامه‌ها اشاره نمی‌کند اما کنوانسیون در ماده ۲ به موافقت‌نامه‌های داوری می‌پردازد بر اساس ماده ۲ دول متعاقد باید موافقت‌نامه داوری مکتوب را معتبر بشناسد اگر مسأله‌ای نزد دادگاه مطرح شده باشد که در واقع موضوع یک موافقت‌نامه داوری الزام آور باشد دادگاه باید رسیدگی را متوقف کند و طرفین را به داوری ارجاع دهد.

شرط داوری:

در سال‌های اخیر داوری جهت رفع نزاع مجدداً احیا گردیده. داوری که یک روش حل و فصل قاطع دعاوی در خارج از محاکم دولتی می‌باشد اقبال فراوانی در میان تجار، به خصوص در بین بازرگانان بین‌المللی پیدا کرده است. داوری نیز مانند دیگر اعمال حقوقی ایجاد حق و تکلیف می‌کند لذا باید دید چه اشخاصی دارای صلاحیت رجوع به داوری می‌باشند و نیز نهاد داوری صلاحیت خود را از کجا و چگونه دریافت می‌نماید.

بر اساس نظریه صلاحیه یا قانونی، هر دولت اختیار کنترل و تنظیم داوری در سرزمین خود را دارد و طرفین داوری فقط تا جایی می‌توانند به داوری رجوع کنند که به صراحت یا به طور تلویحی در قانون محل داوری به آنان اجازه داده شده یا پذیرفته شده است طبق این نظریه داور پذیری وضعیتی انشائی دارد و نمی‌توان خروج از صلاحیت قضایی دولت و سپردن امر دعاوی به قضات نهاد حقوقی را مفروض پنداشت. نظریه قانونی حاکی از آن است که اختیار و وظیفه داوری از قانون ناشی می‌شود و قانون بنابر مصالحی به اشخاص اجازه داده که دادرسی امور خویش را با توافق برگزینند و این وظیفه به طور موقت به داور محول شده است (شیخ محمدی، مرضیه، استقلال شرط داوری مبانی آثار و شرایط، تهران، چاپ اول، انتشارات جاودانه جنگل، ۱۳۹۲، ص ۱۹)

از سوی دیگر طبق نظریه قراردادی، مبنای داوری توافق طرفین است و اراده طرفین پایه و اساس پدیدار شدن داوری می‌باشد به عبارتی این اراده آزاد طرفین است که داور را صالح به رسیدگی می‌نماید. اشخاص با رغبت به داوری رجوع می‌کنند و طبق این نظریه اراده اشخاص فوق قانون است و اشخاص با ایجاد قرارداد داوری به داور اجازه رسیدگی می‌دهند و تنها اراده ایشان برای صالح شدن داور برای رسیدگی کافی است.

در مقابل این دو نظریه، نظریه مختلط قرارداد بدین معنا که داور نمی‌تواند فراسوی نظام‌های حقوقی باشد باید قانونی وجود داشته باشد که به اعتبار ارجاع به داوری و قابلیت اجرای رأی را تعیین کند از سوی دیگر داوری ریشه در قرارداد خصوصی دارد و انتخاب داوران و قواعد حاکم بر آیین داوری در وهله اول وابسته به توافق طرفیت است از این رو عناصر صلاحیتی داوری به طور جدایی‌ناپذیر در هم تنیده شده است (حبیبی مجنده، محمد، داورپذیری اختلافات ناشی از حقوق مالکیت معنوی، شهر دانش، چاپ دوم، ۱۳۹۰، ص ۲۳۳)

همان طور که می‌دانیم دادرسی در دادگاه‌ها و مکان‌های مشخص صورت می‌پذیرد لیکن داوری در هر مکان امکان رسیدگی دارد، اما دادگستری مرجع رسمی تظلمات و شکایات است و دارای یک چهارچوب و ضوابط منظم است. در حالی که داور هر شخصی اعم از حقیقی یا حقوقی می‌تواند باشد و توافق طرفین سازنده صلاحیت وی به رسیدگی است اما امکان انتخاب قاضی رسیدگی کننده در محاکم نمی‌باشد در اکثر مواقع در دادرسی یک نفر آغازگر طرح دعواست لیکن داوری دو اراده احتیاج دارد. صلاحیت دادگاه‌ها عام است ولی برخی موضوعات قابل ارجاع به داوری نمی‌باشند.

داوری و سازش هم دارای اختلافات اساسی می‌باشند راه حلی که سازش دهنده یا میانجی پیشنهاد می‌کند باید مورد قبول اشخاص ذی نفع قرار گیرد و تا زمانی که طرفین راه حل مزبور را قبول نکنند برای آنان الزامی و لازم‌الاجرا نخواهد بود. در حالی که تصمیم داور برای طرفین بدون نیاز به پذیرش آن الزامی است. (خورشیدی، محمد، داوری در حقوق ایران، تهران، ۱۳۹۰، ص ۳۴). داوری و کارشناسی نیز دارای قرابت مفهومی هستند کارشناسی یکی از وسایل اثباتی ادعای طرفین دعواست کارشناس شخصی است که به مناسبت علم، شغل یا کسب خود دارای معلومات لازم است و اظهار نظر وی در مورد موضوع ارجاع شده به وی می‌تواند مبنای تصمیم‌گیری قاضی یا داور گردد. کارشناس فقط نظر می‌دهد ولی داور تصمیم می‌گیرد و این تصمیم برای طرفین داوری لازم‌الاجرا است لیکن قاضی یا داور هیچ الزامی جهت تبعیت از نظر کارشناسی را ندارد (پیشین، ۱۳۹۰، ص ۳۴)

داوری خصیصه قضایی دارد و اثر مهم آن این است که رأی داور به محض صدور نسبت به طرفین الزام آور است که این اثر در دیگر روش‌ها مانند سازش و کارشناسی وجود ندارد. ویژگی امر مختومه در بین داوری سازشی و کارشناسی مختص داوری است. داوری یکی از مهم‌ترین روش‌های حل اختلاف بین‌المللی است این روش آسان‌تر، ارزان‌تر و سریع‌تر از دیگر روش‌های حل اختلاف می‌باشد قرارداد می‌تواند حاوی شرایط ارجاع اختلاف به داوری باشد شرط داوری از قراردادی که متضمن آن است مستقل است.

شرط داوری شرطی است که در بطن قرارداد کارکرد خاصی دارد این شرط اختلافاتی که ممکن است در مورد توافقات و شروط دیگر بوجود آید را بر عهده داوری می‌گذارد ویژگی خاص موضوع قرارداد داوری استقلال آن را توجیه می‌کند این شرط که در قراردادی گنجانده شده و هر موضوعی ممکن است موضوع اصلی آن باشد اکیداً مربوط به اختلافات حقوقی است و تمام یا بخشی از اختلافات ناشی از قرارداد اصلی را به عهده داوری می‌سپارد.

شرط داوری قابل تفکیکی از قرارداد اصلی است. استقلال شرط داوری موضوع توافقنامه داوری را تکمیل می‌کند حل و فصل مدافعان بین طرفین این موضوع متفاوت و جدای از رابطه اصلی مندرج در قرارداد بین طرفین است. در واقع اگر تأثیر شرط داوری به تأثیر تعهدی که موضوع آن را تشکیل می‌دهد وابسته باشد شرطی بی‌فایده و بدون قدرت لازم واقعی خواهد بود! «ریسی، مریم، ساعدی بهزاد، استقلال شرط داوری در قراردادهای تجاری بین‌المللی، مجله تحقیقات حقوقی ۱۳۹۲ ص ۷»

اراده و خواست طرفین نقش بسیار مهمی در روند قرارداد ایفا می‌کند. داوری محل برخورد بین دو قدرت تأثیرگذار قدرت قضایی و قدرت قراردادی است و نوعی برقراری عدالت است ولیکن عدالتی خصوصی که از قرارداد و اراده طرفین نشأت می‌گیرد اصل استقلال شرط داوری نسبت به قرارداد اصلی از سویی منجر به عدم تأثیر بطلان یا فسخ قرارداد اصلی در آن شده و از سوی دیگر این امکان را فراهم می‌آورد که مشمول قانونی متفاوت با قانون حاکم بر قرارداد اصلی نشود. این بدان معناست که با توجه به اصل استقلال شرط داوری قانون حاکم بر شرط داوری لزوماً همان قانون حاکم بر قرارداد اصلی نیست لذا تنها در صورتی می‌توان گفت طرفین قانون حاکم بر قابلیت ارجاع به داوری را تعیین کرده‌اند که مشخصاً و صریحاً قانون حاکم بر شرط داوری را برگزیده باشند وگرنه نفس قانون حاکم بر قرارداد اصلی به معنی قانون حاکم بر قابلیت ارجاع نیست.

جایگاه شرط داوری در قراردادهای نفتی:

شروط داوری هم مانند دیگر شروط مندرج در قراردادها در حال تکامل یافتن و پویایی است. رشد رو به افزایش نهادهای داوری مقررات متحدالشکل و مشکلات و موانع و نواقص شروط داوری در دو سه دهه اخیر موجب تسریع دگرگونی شروط داوری در عرصه بین‌المللی گردیده که این امر موجب گذر از رویه‌های داوری موردی به سوی مقررات متحدالشکل و داوری‌های نهادی یا سازمانی گردیده است. شروط داوری قراردادهای بین‌المللی نفت و گاز یکی از مهم‌ترین شروط مذکور در این نوع از قراردادها می‌باشد که با بکارگیری فرمولی مناسب در آن می‌تواند قدرت مانور قابل توجهی را در تأمین منافع شرکت یا کشور درگیر اختلاف ایجاد نماید در این راستا جهت‌گیری‌های اخیر قانونگذاران برخی کشورهای تولیدکننده و صادرکننده نفت و گاز و هر رویه عملی فعالان خصوصی این عرصه بدین سمت بوده که با ترجیح تعیین چارچوب‌های شرط داوری در قالب ارجاع اختلافات خود به مقررات و احیاناً مراکز داوری هم چون ICC و آنستیرال سعی در مدیریت هر چه بهتر اختلافات احتمالی و امتناع از وجود نابسامانی‌های خاص داوری‌های گذشته داشته‌اند. داوری بین‌المللی از دهه ۱۹۷۰ به این سو تجارب متعددی در اختیار شرکت‌های نفتی و هم کشورهای نفت‌خیز گذارده است. امروزه یک روش معمول در حل و فصل اختلافات بین‌المللی محسوب می‌گردد. بدین نحو که با متحول شدن این معادلات ساختارهای قراردادی فی مابین کشورهای نفت‌خیز در حال توسعه و شرکت‌های بین‌المللی نیز دچار تحول گردیده که حاصل آن زوال رژیم امتیاز و ظهور ساختارهای قراردادی گوناگون بوده است

تنظیم شروط حل و فصل اختلافات در موفقیت ساز و کار انتخابی به ویژه داوری نقش اساسی دارد. بدون شرط معتبر و شفاف داوری تحقق نیافته یا موفقیت‌آمیز نخواهد بود با وجود این امر در عمل توجه کمی به تنظیم این شرط می‌شود اصولاً شروط داوری بدون مذاکره با در نظر گرفتن نیازهای طرفین در قراردادها گنجانده می‌شوند شروط ناقص و مبهم نه تنها در حل و فصل اختلافات کمکی به طرفین نمی‌کند بلکه منجر به طولانی شدن اختلافات و روند اجرای آرا می‌شوند داوری‌های حوزه نفت نیز از این قاعده مستثنی نیستند امروزه داوری‌های این حوزه در حال گسترش بوده و طرفین این قراردادها با توجه به ماهیت فنی آنها و هدف‌های حاکم بر صنعت نفت و گاز تمایل دارند تا اختلافات احتمالی خود از طریق داوری حل و فصل نمایند با توجه به جنبه‌های مختلف به طرفین این قراردادها در حل و فصل اختلافات قراردادی کمک می‌کند.

تاریخ داوری‌های بین‌المللی از نیمه قرون بیستم با حقوق قراردادهای نفت و گاز و تحولات آن در هم تنیده شده به نوعی که شاخص‌گذاری آرای اصداری از مراجع داوری بین‌المللی با آرای مهم صادر شده در خصوص این قراردادها صورت می‌گیرد از جمله این آرا می‌توان به آرای صادره در دعاوی ایران و آمریکا «دعای آمکو و فیلیپس» اشاره کرد. در این آرا از یک سو حقوق دولت‌ها در کنترل و ساماندهی بهره‌برداری از منابع طبیعی سلب مالکیت و در نهایت پایان دادن به قرارداد به هنگام اقتضای منابع عمومی به رسمیت شناخته شده و از سوی دیگر لزوم جبران خسارت در صورت اعمال حقوق حاکمیتی از جانب دولت‌ها برای شرکت‌های طرف قرارداد محترم شمرده شده است!

(آریا کیا، رضا، شروط داوری در سیر تحولات حقوق قراردادهای بین‌المللی نفت و گاز، مجله تحقیقات حقوقی، ۱۳۸۸، ص ۱۹۸)

آنچه مسلم است داوری بین‌المللی به طرفین اجازه می‌دهند که خود را از سیستم قضایی عملی خارج کرده و اختلافشان را جهت حل و فصل با مرجعی بی‌طرف واگذار کنند داوری با توافق در قالب اشکال مختلف آغاز می‌شود توافق ممکن است در زمان تنظیم قرارداد به شکل شرط داوری یا در قالب موافقتنامه داوری انجام شود علاوه بر این طرفین می‌توانند در زمان بروز اختلاف نیز در خصوص ارجاع اختلاف به داوری توافق کنند تنظیم شرط یا موافقتنامه داوری نیاز به دقت و توجه فراوان دارد. در واقع این شرط به منزله‌ی قانون خصوصی است که بر اختلافات طرفین در خصوص موضوع قرارداد اصلی حاکم است. تصمیمات طرفین در خصوص شروط داوری بر مسائلی از قبیل پیچیدگی روند داوری هزینه حل و فصل اختلافات و نهایی بودن رأی داوری اثر می‌گذارد به طور کلی این موضوع باید در نظر گرفته شود که اغلب مزایایی که برای داوری پیش‌بینی می‌شود از قبیل سرعت مزایای مالی و ... هنگامی مقدور خواهند بود که شروط داوری دقیق تنظیم شده باشد (جهرمی فریده تنظیم شرط حل و فصل اختلافات در قراردادهای بین‌المللی نفت و گاز، سالنامه علمی ترویجی اکتشاف و تولید نفت و گاز شماره ۱۵۸، ۳۹۷، ص ۲۳).

با توسعه تجارت بین‌الملل و جهانی شدن اقتصاد شروط داوری مانند سایر شروط به سرعت رشد پیدا کرده و راه تکامل را در پیش گرفته است به نحوی که امروزه یک روش معمول در حل و فصل اختلافات بین‌المللی محسوب می‌گردد شروط داوری قراردادهای بین‌المللی نفت و گاز یکی از

کلیدی‌ترین شروط مندرج در این نوع قراردادهاست که منافع شرکت یا کشور درگیر اختلاف را تأمین می‌کند همانند مراکز داوری ایکسید و آنستیرال که اختلاف احتمالی را مدیریت نموده و از ایجاد نابسامانی خاص در زمینه داوری جلوگیری می‌نماید.

ضروری است هنگام تنظیم شرط داوری طرفین در خصوص شمول شرط داوری بر تمامی جنبه‌های مرتبط بر قرارداد یا جنبه‌های خاص از رابطه قرارداد ایشان تصمیم‌گیری کنند اختلاف ناشی یا مرتبط با قرارداد مشتمل بر هر موضوعی مرتبط با وجود اعتبار یا خاتمه قرارداد پوشش داده شود. این موضوع به طرفین کمک می‌کند که تمامی اختلافات فی مابین و ادعاهای متقابل در یک داوری رسیدگی شود. مقررات داوری آنستیرال، انجمن داوری امریکا، اتاق بازرگانی بین‌المللی، دادگاه داوری لندن، مقفن شروط داوری موسع هستند این جنبه‌های مختلف قراردادها را از قبیل اجراء، اعتبار و ... را پوشش می‌دهند. ابهام شرط داوری منجر به ایجاد اختلاف بین طرفین در خصوص قلمرو داوری و در نتیجه ایجاد اختلال در روند داوری خواهد شد.

نکته مهم آن که شرط داوری نباید رژیم‌های داوری موردی و سازمانی را با هم ترکیب کند زیرا قواعد داوری موردی و قواعد سازمان‌های داوری هماهنگ نیستند قوانینی که برای داوری توسط یک سازمان خاص شکل گرفته‌اند می‌توانند جدا از سازمان خود به عنوان آئین موردی بکار روند هم چنین سازمانی‌های داوری تمایل به استفاده از قوانین سایر سازمان‌ها ندارند بدیهی است درج مشروط ترکیبی دیوان داوری را با مشکلات عدیده‌ای مواجه می‌کند. از مهمترین مسائل در زمینه شرط داوری قانون ماهوی است قانونی ست که به استناد آن داوران در خصوص اختلافات اظهار نظر کرده و رأی صادر می‌کنند به طور کلی طرفین قرارداد باید قانون ماهوی قابل اجرایی در خصوص قرارداد تعیین کنند بررسی آراء داوری نشان می‌دهد که داوران بی هیچ دخل و تصرف قابل توجهی قانون منتخب طرفین را اعمال می‌کنند

در قراردادهای بین‌المللی نفت جهت جلوگیری از عدم توافق و مسکوت ماندن موضوع بهتر است طرفین قانون ماهوی را به ورای قانون محلی یک کشور خاص تعمیم دهند در برخی قراردادها از جمله قراردادهای منعقد شده بین شرکت‌های دولتی و شرکت‌های نفتی بین‌المللی یک طرف در خصوص قانون ملی خود بر قرارداد پافشاری می‌کند تعیین اصول عرفی مثل حقوق عرفی نفت نه تنها با نیازهای صنعت نفت و قراردادهای منعقد شده در بین حوزه هماهنگ است بلکه داوران سایر اصول حقوق بین‌الملل عرفی مثل حسن نیت و جبران خسارات کامل را در تصمیماتشان در نظر خواهند گرفت.

مقررات شکلی حاکم بر داوری مقرراتی هستند که ناظر بر نحوه رسیدگی و آئین داوری بوده و تنظیم کننده فرآیند انجام داوری هستند در تعیین قانون حاکم بر آئین و فرآیند داوری مانند دیگر موارد در هر حال اولویت با قانون حاکمیت اراده است. با توجه به برگزاری داوری در مقر یک کشور بهتر است قانون حاکم بر آئین و فرآیند داوری با قانون کشور مقر داوری یکسان باشد انتخاب قانونی غیر از قانون مقر داوری امکان‌پذیر است اما مقررات مزبور نباید قوانین امری مقر داوری را نقض کنند. بنابراین در تنظیم شرط یا موافقت‌نامه داوری ضروری است طرفین با در نظر گرفتن این موضوع قانون حاکم بر آئین و فرآیند داوری را تعیین کنند.

همان گونه که بیان شد زمان تنظیم شرط حل و فصل اختلافات طرفین باید در خصوص توافق ارجاع اختلاف با داوری قلمرو شرط داوری مورد یا سازمانی مقرر داوری، تعداد و شیوهی انتخاب داوران، زبان داوری، قانون ماهوی و فرآیند داوری، مدت زمان آن و نهایی بودن رأی داوری و ... توافق کنند. با وجود این برخی مواقع مشکل است که تمامی موارد در شرط حل و فصل اختلاف درج شود در این فرض طرفین باید نسبت به مشکلات بالقوه‌ی ناشی از عدم درج هر یک از موارد آگاه بوده و تلاش کنند موضوعاتی که اهمیت بیشتری دارند در شرط قید گردد هم چنین درج شروط جایگزین حل و فصل اختلافات مانند مذاکره در قرارداد مفید است اما این شروط نباید به نحوی تنظیم شوند که با شرط داوری تعارض داشته باشد. بررسی قراردادهای نفتی قبل از دهه ۸۰ میلادی نشان از عدم وجود رویه‌ای روشن در ساختار شروط داوری قراردادهای نفتی دارد. بدین نحو که در قراردادهای این دوره طرفین قرارداد ضمن شروط داوری، نحوه انتخاب داور یا داوران و شیوه دادرسی و قانون حاکم بر آن و نیز ماهیت دعوا در هر قرارداد تبیین می‌کردند رویه‌های مورد توافق در این شروط اصولاً کلی بودند که گاه موجب بروز مشکلاتی جدی در جهت اجرای داوری شدند.

دعای نفتی ایران - آمریکا:

بعد از پیروزی انقلاب ایران قراردادهای نفتی ایران با شرکت‌های خارجی دستخوش تغییرات عمده‌ای گردید. شورای انقلاب اسلامی ماده واحده‌ای تصویب کرد که بر اساس آن قراردادهای نفتی که در رژیم سابق منعقد شده بودند کان لم یکن تلقی می‌گردید.

کمیسیون خاص که در راستای این ماده واحده تشکیل شده بود قراردادهای نفتی را بررسی و به امور این شرکت‌ها رسیدگی می‌کرد. شرکت‌های غیر آمریکایی که قراردادهای ملغی شده بود به تدریج مراجعه و کمیسیون با رسیدگی به حساب‌های آنها با آنان تسویه حساب نمود. اما شرکت‌های امریکایی طرف قرارداد شرکت ملی نفت ایران به دیوان داوری که در سال ۱۳۶۱ بر اساس بیانیه الجزایر تأسیس شده بود مراجعه کردند و طرح دعوا نمودند اساس ادعای این شرکت‌ها آن بود که کان لم یکن شدن قراردادهای آنها توسط کمیسیون خاص به معنای مصادره اموال و حقوق و منافع آنهاست و طبق ماده ۴ عهدنامه مودت ۱۹۵۵ بین ایران و امریکا مستحق دریافت غرامت کامل می‌باشند. شرکت‌های امریکایی که در دیوان داوری طرح دعوا کردند یا شرکت‌های عضو قرارداد کنسرسیوم بودند که با شرکت نفت قرارداد خرید نفت داشتند و یا قرارداد مشارکت در تولید.

از بین چندین فقره دعاوی نفتی، فقط دو پرونده در مرحله مسئولیت به رأی رسید و بقیه دعاوی پس از صدور این آرا با مذاکره حل و فصل شد در واقع شرکت‌های امریکایی با مشاهده این آرا دریافتند که ادعای آنها در زمینه عدم النفع شانس موفقیت ندارد. نکته قابل توجه این است که با توجه به پیچیدگی دعاوی نفتی و ارقام کلان خواسته آنها دیوان داوری جریان دادرسی را به دو مرحله تقسیم کرد نخست به عنوان یک امر ماهوی به مسئله مسئولیت خوانده رسیدگی کرد و اگر مسئولیت خوانده (یعنی شرکت نفت و دولت ایران) احراز میشد در مرحله دوم به تقویم خسارت و تعیین مبلغ غرامت می‌پرداخت اما در عمل به جز دعوی شرکت آموکو اینترنشنال و دعوی چهار شرکت از اعضای امریکایی قرارداد کنسرسیوم بقیه دعاوی نفتی در جریان رسیدگی و قبل از اینکه

به حکم برسد به تدریج با مذاکره حل و فصل شد دعاوی شرکت‌های عضو کنسرسیوم و نیز دعاوی شرکت آموکو با اینکه در مرحله مسئولیت به رأی رسیدند، ولی قبل از اینکه دیوان وارد مرحله تقویم خسارت و غرامت شود طرفین در خارج از دیوان مذاکره نمودند و هر دو پرونده بر اساس توافق‌های حاصله مختومه شده به این ترتیب از دعاوی نفتی امریکایی‌ها در دیوان داوری دو پرونده در مرحله مسئولیت به رأی رسید یکی پرونده کنسرسیوم و دوم آموکو که هر دو رأی در شعبه سوم دیوان داوری صادر شده است (منصوریان، ناصرعلی، یاد استاد میشل ویرالی حقوقدان بین‌المللی، مجله حقوقی ۱۳۶۸)

تشکیل دیوان داوری دعاوی ایران و ایالات متحده آمریکا از این اصل پیروی کرده است که طرفین برای حل بحران فیما بین از دولت دمکراتیک الجزایر که حافظ منافع ایران در امریکا بود تقاضا کردند که به عنوان واسطه عمل نماید. در زمانی که توافق بر سر بیانیه‌ها منعقد شد حدود ۱۴۵۰ دعاوی حقوقی که خواسته‌های بیش از ۲۵۰ هزار دلاری در پی داشت بر علیه ایران در محاکم امریکا به ثبت رسیده بود که البته با افزودن ۱۷۰۰ دعوی که خواسته‌شان کمتر از ۲۵۰ هزار دلار بود رقم کلیه عاوی در آن زمان بالغ بر ۲۱۵۰ دعاوی می‌شد (ابراهیمی ترکمان، ابوذر، پیشینه و ماهیت حقوقی دیوان داوری دعاوی ایران و ایالت متحده امریکا، تابستان ۱۳۹۵، شماره ۲۸، ص ۷۳).

این دیوان حقوق بین‌الملل را اعم از عرفی یا عهده‌نامه‌ای به عنوان قانون حاکم در حل و فصل انواع دعاوی اعمال کرده است متن ماده ۵ بیانیه حل و فصل ادعاها که رژیم قانون حاکم بر دیوان را بیان می‌کند.

نکته مهم اینکه دیوان داوری در دعاوی سلب مالکیت و ملی کردن از جمله شایع‌ترین دعاوی نزد آن بوده هیچ‌گاه به ضوابط و موازین حقوق داخلی مراجعه نکرده است توضیح اینکه سلب مالکیت و ملی کردن اصلی مصداق اعمال حاکمیت دولت است و هر گاه دیوان داوری مرجعی غیر بین‌المللی می‌بود دولت خواننده می‌توانست با دکتین‌های مصونیت دولت با عمل دولت متوسل شود اما دیوان داوری دعاوی سلب مالکیت و ملی کردن را در پرتو اصول و قواعد حقوق بین‌الملل عرفی در زمینه مسئولیت بین‌المللی دولت رسیدگی نموده و هنگام تعیین غرامت نیز موازین حقوق بین‌الملل مراجعه کرده است.

رأی صادره در قضیه کنسرسیوم:

در مورد سابقه قرارداد کنسرسیوم که در سال ۱۳۳۳ منعقد گردید کافی است یادآوری کنیم که این قرارداد بین یازده شرکت نفتی از یک طرف و شرکت ملی نفت ایران از طرف دیگر امضا شد و بر طبق آن حق خرید نفت ایران به مدت بیست و پنج سال با حق تمدید پانزده سال دیگر به کنسرسیوم داده شد. کنسرسیوم هم برای انجام موضوع قرارداد دو شرکت تأسیس نمود یکی برای امور استخراج و تولید و دیگری برای تصفیه. طبق قرارداد نفت تولید شده پس از تامین نیاز داخلی ایران به قیمت اعلام شده به اعضای کنسرسیوم فروخته می‌شود و مابه‌التفاوت هزینه‌های تولید با قیمت مذکور به سود حاصله بودند که به صورت پنجاه پنجاه بین ایران و کنسرسیوم تقسیم می‌شد مالیات این سود به ایران پرداخت می‌شد و ایران مبلغی هم بابت حق‌الارض دریافت می‌کرد. بعد از پیروزی انقلاب شرکت ملی نفت ایران حدوداً یک ماه پس از پیروزی انقلاب نامه‌ای به کنسرسیوم نوشت

و اعلام کرد کنسرسیوم به تعهدات خود عمل نکرده و قرارداد را نقض کرده است ولی ایران آمادگی دارد با تک‌تک شرکت‌های عضو کنسرسیوم به صورت جداگانه مذاکره نماید و به آنها نفت بفروشد و کنسرسیوم هم در پاسخ شرایط اعلامی ایران را پذیرفت. پس از تشکیل دیوان شرکت‌های امریکایی عضو کنسرسیوم علیه شرکت ملی نفت ایران در دیوان مذکور طرح دعوا نمودند و مدعی شدند که کان لم یکن کردن قرارداد کنسرسیوم بر طبق ماده واحده صادره از سوی کمیسیون خاص ایران به معنی نقض قرارداد و مصادره حقوق و اموال آنهاست. و ایران باید غرامت بپردازد. امریکایی‌ها استدلال می‌کردند که بر طبق قرارداد ایران باید غرامت کامل که شامل عدم النفع می‌باشد را بپردازد زیرا در قرارداد ذکر شده بود که اموال و حقوق اتباع هیچ یک از دو دولت اخذ و مصادره نخواهد شد مگر برای منافع عامه و بازپرداخت کامل یعنی غرامت فوری موثر مکفی. ایران هم در مقام دفاع پاسخ می‌داد اولاً بدهی‌های دفتری خود را قبول دارد و همواره حاضر بوده آن را بپردازد ثانیاً چون کان لم یکن شدن قرارداد کنسرسیوم مبنی بر قانون بوده و در جهت حفظ حقوق عامه و ملی شدن نفت صورت گرفته است بنابراین یک عمل مشروع و قانونی محسوب می‌شود و نباید به خاطر آن خسارت و غرامتی به عنوان عدم‌النفع بپردازد. همان‌طور که قبلاً ذکر شد دیوان داورى رسیدگی به دعاوی نفتی را به دو مرحله تقسیم کرد. مرحله مسئولیت و مرحله ارزیابی مبلغ غرامت در پرونده کنسرسیوم هم به همین نحو عمل شد و دیوان داورى طی حکم جزئی به مسئله مسئولیت ایران در مورد سلب مالکیت و مصادره پرداخت تا معلوم کند عمل دیوان در مورد قرارداد کنسرسیوم از لحاظ حقوقی چه معنی داشته است. دیوان داورى به این نتیجه رسید که بر خلاف ادعاهای خواهان‌ها عمل ایران سلب مالکیت غیر قانونی و غیر مشروع نبوده است در مورد استاندارد غرامت نیز دیوان اظهار نظر کرد که ملاک در غرامت انتظار مشروع طرفین است و نه بیشتر.

رای صادره در قضیه آموکو:

قرارداد شرکت آموکو از نوع قراردادهای مشارکت بود توضیح اینکه شرکت آموکو اینترنتشال که متعلق به اتباع امریکایی بود قراردادی با شرکت ملی پتروشیمی ایران منعقد کرده بود و به موجب آن طرفین مشترکاً شرکت «خموکو» را به صورت پنجاه پنجاه تأسیس کردند موضوع این قرارداد مشارکت در احداث یک کارخانه پتروشیمی در جزیره خارک جهت تبدیل گاز حاصله از استخراج نفت در خلیج فارس به مواد پتروشیمی بود پس از پیروزی انقلاب با اینکه قرارداد مذکور ناظر به تأسیس کارخانه پتروشیمی بود و قرارداد نفتی محسوب نمی‌شد کمیسیون موضوع ماده واحده کان لم یکن شدن قراردادهای نفتی آن را ملغی اعلام کرد. ایران قرارداد فی مابین را نقض کرده و مسئول خسارات وارده می‌باشد آموکو اعلام داشت حتی اگر عمل ایران نقض قرارداد محسوب نشود و ایران مجاز به لغو آن دانسته شود عمل ایران در کان لم یکن کردن قرارداد به معنای مصادره و ضبط غیر مشروع حقوق و اموال آموکو است که خلاف حقوق بین‌الملل است و باید بابت آن غرامت کامل شامل عدم النفع پرداخت کند.

دیوان داورى رسیدگی به این پرونده را مانند کنسرسیوم به دو مرحله تقسیم کرد مرحله مسئولیت و مرحله ارزیابی غرامت در مرحله اول دیوان داورى درباره موضوعاتی مانند تفکیک بین سلب مالکیت به نحو مشروع و غیر مشروع و ملاک آن قراردادهای اداری و دولتی ارزش و قلمرو شرط

ثبات در قراردادهای نفتی حاکمیت و حتی دولتها در ملی کردن منابع طبیعی و مهمتر از همه ضابطه غرامت اظهارنظر کرده است. گرچه پس از صدور حکم جزئی درباره مسئولیت طرفین در خارج دیوان به توافق رسیدند و تسویه حساب کردند و نیازی به رسیدگی مرحله دوم و ارزیابی غرامت پیش نیامد اما ارزش رویه‌ای حاصل از رأی جزئی دیوان در مرحله مسئولیت هم چنان به جای خود محفوظ است.

اثر حقوقی شرط داوری در دعاوی نفتی ایران و آمریکا:

موافقت‌نامه داوری شالوده و بنیان تقریباً هر نوع داوری است هیچ داوری نمی‌تواند میان طرف‌هایی که توافق نکرده‌اند اختلافات خود را به داوری ارجاع دهند وجود داشته باشد ماهیت داوری مستلزم رضایت هر یک از طرف‌هاست تا داوری محقق شود. موافقت‌نامه داوری چند کارکرد متفاوت را برآورده می‌کند اول اینکه موافقت‌نامه شاهد و دلیلی بر رضایت طرف‌ها به ارجاع اختلافات خود به داوری است دوم صلاحیت و اختیار دیوان و هیئت داوری در مقابل صلاحیت دادگاه‌ها ضروری می‌دارد. سوم موافقت‌نامه داوری منشأ اساسی اختیار داوران است. به علاوه موافقت‌نامه داوری تعهد بر طرف‌ها در خصوص پذیرش داوری وضع می‌کند بنابراین موافقت‌نامه‌های داوری هم خصلت قراردادی و هم خصلت صلاحیتی دارند از این جهت قراردادی هستند که توافق طرف‌ها را لازم می‌دانند و از این جهت صلاحیتی هستند که به دیوان داوری صلاحیت اعطا می‌کند.

قانون حاکم بر ابعاد گوناگون موافقت‌نامه داوری توجه زیادی هم در مباحث علمی و هم در رویه به خود معطوف داشته است به رغم نوعی هماهنگی، قانون نمونه در کشورهای گوناگون حاصل شده است. موافقت‌نامه داوری عامل کلیدی در موجودیت هر گونه داوری است اگر طرف‌ها مایل اند به داوری رجوع کنند باید این قصد را به وضوح و بدون ابهام بیان نمایند موافقت‌نامه داوری برای آن که معتبر باشد باید مستند و مضبوط شود.

بدون تردید تشکیل دیوان داوری دعاوی ایران - آمریکا یکی از مهم‌ترین و بی سابقه‌ترین رویدادهای حقوقی در تاریخ کشور ماست این دیوان که حقوقدانان آمریکایی از آن به عنوان بزرگ‌ترین دیوان داوری در تاریخ یاد می‌کنند بیانگر موفقیت روش‌های حقوقی حل و فصل اختلافات بین‌المللی بویژه داوری است این مسأله از آن جهت اهمیت دارد که این دیوان را دو کشوری تشکیل دادند که در اوج خصومت با یکدیگر قرار داشتند و رابطه سیاسی با هم نداشتند اگر چه به اعتقاد برخی از صاحب نظران نحوه تنظیم و اجرای بیانیه الجزایر و هم چنین آرای دیوان دارای نقاط ضعف حقوقی است و عملکرد دیوان رویه قضایی آن از نظر علمی با استناداتی مواجه است اما با توجه به شرایط و اوضاع و احوال خاص اوایل انقلاب بیانیه‌های الجزایر منعقد شد روی هم رفته باید ارزیابی مثبتی از کار دیوان داشت زیرا دولت نوپای انقلاب ایران هیچ تجربه‌ای از داوری بین‌المللی نداشت و حقوقدانان ایرانی هم برای اولین بار و بدون داشتن تجربه‌ای در یک داوری بزرگ بین‌المللی درگیر می‌شدند و در مقابل خود کشوری مثل ایالات متحده آمریکا را داشتند که از تمامی امکانات حقوقی سیاسی و اطلاعاتی برخوردار بود این در حالی بود که در ایران به دلایل وقوع انقلاب اسلامی و مختل شدن کار ادارات دولتی حتی اطلاع دقیقی از میزان دارایی‌ها و حساب‌های بانکی ایران در آمریکا در دست نبود. این مسائل بیانگر این هستند که در عین نبود

توازن حقوقی و اطلاعاتی بین طرفین آنچه بدست آمده است می‌تواند رضایت‌بخش باشد. تردیدی نیست که اشکالاتی در بیانیه‌های الجزایر و کار دیوان وجود داشته اما با این حال آنچه به دست آمده ارزشمند است (فیروزی، مهدی، دیوان داوری دعاوی ایران و امریکا و زمینه‌های پیدایش آن، مهر ۱۳۸۴، شماره ۴۶، ص ۴۱).

(David D. Caron. The Nature of the Iran – UNITED STATES claims tribunal and the evolving structure of international dispute resolution, the American Journal of international law Vol 84. Nol. P 104) .

نتیجه‌گیری

با توجه به این که محور اصلی رژیم قانون حاکم در دیوان داوری حقوق بین‌الملل است اگر دیوان در دعاوی نفتی مستقیماً و منحصراً حقوق بین‌الملل را اعمال می‌کرد ایرادی بر او نبود اما دیوان جانب تعادل و تعدیل را رعایت نموده و به قانون داخلی هم بهای کافی بخشیده است مطلب مهمی که در مورد ارزش رویه‌ای آراء دیوان و تحولی که در روند بین‌المللی ایجاد کرده نباید مغفول بماند آن است که این رویه‌ها توسط دیوانی تولید شده که به درستی از جایگاه و ماهیت بین‌المللی خود داراست. دیوان داوری ایران – امریکا بی‌گمان یک مرجع رسیدگی بین‌المللی است که بر اساس عهدنامه بین دو دولت ایران و امریکا به وجود آمده و طبق ماده ۵ بیانیه حل و فصل ادعاها مکلف به اعمال حقوق بین‌الملل شده است.

در نگاه اول شاید داوری بین شمال و جنوب مخاطره‌انگیز باشد زیرا کشورهای در حال توسعه غالباً از تخصص حقوقی لازم برخوردار نیستند در الجزایر هیئت امریکایی از بهترین حقوقدانان و متخصصان داوری بین‌المللی تشکیل شده بود در حالی که مذاکرات می‌بایستی در مورد مسائل بسیار تخصصی و پیچیده صورت می‌گرفت عدم توازن واقعی از نظر حضور متخصصان ذی ربط در هیئت مذاکره کنندگان طرفین به وضوح قابل رؤیت بود به هر حال تفاوتی نیست که متن مصالحه داوری با دقت تمام توسط متخصصان آمریکایی تهیه و تدوین شده است. متن مصالحه داوری یعنی بیانیه حل و فصل یک شاهکار حقوقی قلمداد می‌شود و حاوی تمام قواعد و مقرراتی است که از پیش داوری را چارچوب بندی کرده است. ساختاری بسیار مستحکم.

دیوان داوری ایران – امریکا – امید به یک داوری عادلانه و متوازن را دوباره زنده کرد از آنجا که انقلاب ایران یک تغییر و تحول ساده نبود بلکه باعث ایجاد تحولات عمیقی در صحنه اجتماعی و اقتصادی کشور شده بود می‌بایستی در داوری مورد توجه قرار می‌گرفت منافع بلند مدت کشورها ایجاب می‌نماید که حل اختلافات به چنین داوری‌هایی محول شود نهاد داوری که با رعایت کامل قوانین و مقررات به دعاوی رسیدگی نماید.

بررسی اجمالی برخی قوانین رویه‌های قراردادی و داوری راجع به قراردادهای بین‌المللی نفت و گاز نشان می‌دهد که با متحول شدن ساختارهای قراردادی بین کشورهای نفت خیز توسعه نیافته یا در حال توسعه و شرکت‌های بین‌المللی شرط داوری نیز راه تکامل را در پیش گرفته‌اند بدین نحو

که هم قانونگذاران این کشورها هم چون آنستیرال، و هم رویه عملی فعالان خصوصی عرصه نفت و گاز با ترجیح تعیین چارچوب های شرط داوری و قالب ارجاع اختلافات خود به مقررات و احیانا مراکز داوری اتاق بازرگانی بین المللی و مرکز بین المللی حل و فصل اختلافات راجع به سرمایه گذاری، سعی در مدیریت شایسته اختلافات احتمالی و امتناع از ورود نابسامانی های خاص داوری های گذشته داشته اند.

منابع و ماخذ

- ۱- (ابراهیمی ترکمان، ابوزر، پیشینه و ماهیت حقوقی دیوان داوری دعاوی ایران و ایالت متحده امریکا، تابستان ۱۳۹۵، شماره ۲۸، ص ۷۳)
- ۲- (آریا کیا، رضا، شروط داوری در سیر تحولات حقوق قراردادهای بین المللی نفت و گاز، مجله تحقیقات حقوقی، ۱۳۸۸، ص ۱۹۸)
- ۳- (جهرمی فریده تنظیم شرط حل و فصل اختلافات در قراردادهای بین المللی نفت و گاز، سالنامه علمی ترویجی اکتشاف و تولید نفت و گاز شماره ۱۵۸، ۳۹۷، ص ۲۳)
- ۴- (حبیبی مجنده، محمد، داورپذیری اختلافات ناشی از حقوق مالکیت معنوی، شهر دانش، چاپ دوم، ۱۳۹۰، ص ۲۳۳)
- ۵- (خورشیدی، محمد، داوری در حقوق ایران، تهران، ۱۳۹۰، ص ۳۴)
- ۶- «ریسی، مریم، ساعدی بهزاد، استقلال شرط داوری در قراردادهای تجاری بین المللی، مجله تحقیقات حقوقی ۱۳۹۲ ص ۷»
- ۷- (شیخ محمدی، مرضیه، استقلال شرط داوری مبانی آثار و شرایط، تهران، چاپ اول، انتشارات جاودانه جنگل، ۱۳۹۲، ص ۱۹)
- ۸- فیروزی، مهدی، دیوان داوری دعاوی ایران و امریکا و زمینه های پیدایش آن، مهر ۱۳۸۴، شماره ۴۶، ص ۴۱
- ۹- (منصوریان، ناصرعلی، یاد استاد میشل ویرالی حقوقدان بین المللی، مجله حقوقی ۱۳۶۸)

(David D. Caron. The Nature of the Iran – UNITED STATES claims tribunal and the evolving structure of international dispute resolution, the American Journal of international law Vol 84. Nol. P 104) .